

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایندولوژیک

داکتر امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»

۲۵ اکتوبر ۲۰۲۴

بسم الله الرحمن الرحيم



## ترجمه و تفسیر سورة النساء - (۹)

جزء ۴، ۵، ۶

سورة النساء / جزء ۴، ۵، ۶

سورة نساء در مدینه نازل شده، دارای یکصد و هفتاد و شش آیه و بیست و چهار رکوع است.

خوانندگان گرامی!

در آیات متبرکه قبلی خداوند متعال، حکم ازدواج و چگونگی تقسیم میراث را بیان فرمود، هکذا تجاوز از حدود خود را منع قرار داد. اینک در آیات (۱۵ الی ۱۸) حکم آنان که مرتکب زنا می شوند و به کارهای حرام دست می زنند، بیان می یابد؛ چون زنا از شنعیتین گناهای است که حريم الهی را می شکنند، بر اثر آن زن، عفت و پاکدامنی خود را از دست

می دهد و پلید می گرداند و در نهایت بدنام و رسوا می شود. همچنین این آیت ها به توبه و بازگشت بدکار و شرایط پذیرش توبه و زمان آن اشاره می فرماید تا بار سنگین از دوشش ساقط گردد. (سوره طه ۸۲).

وَاللّٰتِ يٰۤاَتِيْنَ الْفٰحِشَةَ مِنْ نِسٰنِكُمْ فَاٰتِشْهُدُوْا عَلَيْهِنَّ اَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَاِنْ شَهِدُوْا فَاَمْسِكُوْهُنَّ فِى الْبُيُوْتِ حَتّٰى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ اَوْ يَجْعَلَ اللّٰهُ لِهِنَّ سَبِيْلًا (۱۵)

و کسانی که از زنان شما مرتکب فاحشه (زنا) می‌شوند، چهار نفر از (مسلمانان عادل) را به عنوان شاهد بر آنان به گواهی طلبید، پس اگر گواهی دادند، آنان را در خانه‌های (خود برای حفظ ایشان و دفع هرگونه شرّ و فساد) محبوس کنید تا آن که ملک الموت روح آنها را قبض کند، یا این که خداوند راهی را برای (زندگی پاک و درست، یا عقوبت) آنان (با ازدواج یا توبه، یا وضع حکم دیگری) باز می‌کند. (۱۵)

### تشریح لغات واصطلاحات:

«يَأْتِي الْفَاحِشَةَ»: مرتکب زنا می‌شوند، زنا می‌کنند. «فَاحِشَةً»: برخی از مفسران فاحشه را در اینجا به معنای سیاق دانسته‌اند و آن عبارت است از این که دو زن فرج خود را به هم بمالند (ملاحظه شود: المصحف المیسر: عبدالجلیل عیسی، صفحه ۱۰۱).

«أَرْبَعَةً مِنْكُمْ»: چهار نفر از مردان مسلمان شما. «فَأَمْسِكُوهُنَّ»: آنها (زنان) را ننگه دارید. «فِي الْبُيُوتِ»: در خانه‌ها، تا با سایر مردم همنشین نشوند. «يَتَوَفَّاهُ الْمَوْتُ»: مرگشان فرا می‌رسد، مرگ، جان آنان را می‌گیرد. «أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا»: یا خدا بر ایشان راهی قرار دهد که از آن وضعیت برهند. این راه را سوره نور آیت دو، مشخص کرده است.

### یادداشت:

سحاق: (لِزْبَيْنٍ). یعنی بر علاوه دیگر بخش‌های رابطه جنسی زن با زن، زنان آلت جنسی همدیگر را بر یک دیگر بسایند تا این که انزال صورت گیرد.  
لواط: عمل جنسی مرد با مرد (هموسکسوال)

### زنا چیست؟

در شریعت اسلامی به هرگونه رابطه جنسی میان زن و مرد بدون وجود رابطه ازدواج میان آنها زنا قلمداد می‌گردد، مردی که مرتکب زنا شده است را «زانی»، زنی را که مرتکبی زنا شده «زانیه» به حساب می‌آورند. زنا در تعریف فقهی آن؛ وطی و آمیزش (جماع) مرد و زن بدون این که بین آنان ملکیت شرعی از طریق ازدواج وجود داشته باشد، است که عقوبت این عمل حد زنا است که به سه صورت؛ زدن تازیانه (دره)، اگر مرد و زن مجرد باشند، یا تبعید به مدت یکسال و سنگسار انجام می‌پذیرد.

### تفسیر:

«وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ»: آن دسته از زنانان که مرتکب عمل زشت زنا می‌شوند، بر شما مردان لازم است تا بر آنان چهار نفر شاهد عادل و مورد اعتماد از مردان مسلمان و آزاد را بر آنان گواه بگیرید.

«فاحشه»: فعل ناشایست است و مراد از آن در اینجا، فعل «زنا» است.

«فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ»: اگر گناه آنان با شهادت چهار نفر ثابت شد، آنها را در خانه‌ها زندانی کنید.

«حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ»: تا مرگ آنها فرا برسد. «أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا (۱۵)»: این سزا و مجازات برای آنها و تأدیبی بر عملکردها است یا تا زمانی که خدای تعالی برای آنها راهی دیگر مقرر دارد.

ابن کثیر فرموده است: در آغاز اسلام حکم چنان بود که اگر زناى زن با شهادات عادلانه ثابت می شد، زن در خانه محبوس می شد و تا مردن اجازه خروج را نداشت، تا این که سوره نور نازل شد و حکم مذکور به تازیانه یا رجم منسوخ گشت. (مختصر ابن کثیر ۱/۳۶۶).

همچنان ابن عباس (رض) فرموده است: «در آغاز اسلام، زن چون زنا می کرد، در خانه (به طور مادام العمر) زندانی می شد... تا این که آیت مبارکه سوره نور نازل شد: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا» (النور: ۲)، و به این ترتیب خداوند متعال برای آنان راهی از این حالت گشود، از آن پس، هر کس مرتکب زنا می شد، دره (تازیانه) می خورد و رها می شد».

از این رو در حدیث شریف آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم بعد از نزول آیت حد فرمودند: «بگیرید از من (این حکم را): به تحقیق که خداوند برای آنان راهی مقرر کرد، [آن راه این است که: مجازات زناى بکر با بکر (زنی که شوهر نکرده و مردی که زن نگرفته) صد تازیانه و تبعید یکسال است و مجازات زناى ثیب با ثیب (مردی که زن گرفته و زنی که شوهر کرده) صد تازیانه و سنگباران است».

اما حنفی ها بر آنند که بعد از تازیانه زدن، دیگر تبعیدی نیست، که رأی جمهور فقها خلاف آن است. البته مرد و زن متأهل زناکار - در نزد جمهور - فقط رجم می شوند، بدون تازیانه. اما احمد بن حنبل می گوید: رجم و تازیانه هر دو بر آنان جاری می گردد. و حکم گواهی چهار شاهد مسلمان عادل بر عمل زنا، باقی است و منسوخ نشده است.

### وَالَّذَانِ يَأْتِيَانِيهَا مِنْكُمْ فَأَدُوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا (۱۶)

و آن دو کس از شما که زنا می کنند (از زن و مرد) پس آنها را (به وسیله حاکم) آزار دهید، پس اگر توبه کردند (از عمل فاحشه) و اصلاح کردند (عمل خود را) پس از آزارسانی شان دست بردارید؛ زیرا الله توبه پذیر (و) بسیار مهربان است. (۱۶)

### تشریح لغات واصطلاحات:

«الَّذَانِ»: مرد و زن. موصول مذکر و برای تغلیب. «أَدُوهُمَا»: آن دو را آزار دهید، بیزارید. «فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا»: از آن دو دست بردارید، از آنان صرف نظر کنید.

### یادداشت:

اکثر علماء این آیت را بر زنا حمل می کنند، و برخی بر لواطت، و بعضی به زنا و لواطت بر هر دو.

### تفسیر:

«وَ الَّذَانِ يَأْتِيَانِيهَا مِنْكُمْ»: آنان که مرتکب عمل زشت زنا می شوند، منظور مرد و زن زناکار است به صورت تغلیب.

«فَأَدُوهُمَا»: آنان را به توبیخ و بدگویی و زدن با کفش آزار دهید. «فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا»: «فَإِنْ تَابَا» اگر توبه کردند و از زنا دست کشیدند و از گناهی که انجام داده اند، بازگشتند و پشیمان شدند، و تصمیم گرفتند آن گناه را تکرار نکنند، «وَأَصْلَحَا» و به اصلاح رفتار خود پرداختند، که بر توبه راستین دلالت می نماید، «فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا»: از آزار رساندن به آنها دست بردارید.

«إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّاباً رَحِيماً (۱۶)»: همانا خداوند بسیار توبه‌پذیر است، و توبه‌گناهکار را می‌پذیرد، و رحمت و احسان او بسیار فراوان است. از جمله مهربانی و احسان او این است که به آنها توفیق توبه داده، و توبه آنان را می‌پذیرد، و از آنچه از آنها سر زده است می‌گذرد.

مفسر فخر رازی فرموده است: حبس در منزل به زن اختصاص یافته است و شکنجه دادن به مرد؛ زیرا زن زمانی مرتکب زنا می‌شود که از منزل بیرون برود، پس در صورتی که در منزل زندانی شود، راه این معصیت از او قطع می‌شود، ولی حبس در منزل برای مرد ممکن نیست؛ چون برای ترتیب امور معاش و کسب نفقه عیال لازم است از منزل خارج شود. پس باید مجازات آنان متفاوت باشد.

این حکم چنان‌که گفتیم، قبل از نزول آیت حد بود و با نزول آن منسوخ گردید. «تفسیر انوار القرآن». از فحوای این دو آیت استنباط می‌شود که برای اثبات زنا چهار مرد مؤمن شهادت دهند و به طریق اولی شرط است که عادل باشند، چون خداوند در مورد این کار بد و زشت سخت گرفته است، تا عیب بندگان را بپوشاند، تا جایی که شهادت دادن زنان به تنهایی برای اثبات زنا پذیرفته نمی‌شود، و گواهی آنها همراه با مردان نیز پذیرفته می‌شود، و گواهی دادن کمتر از چهار مرد نیز پذیرفته نمی‌شود.

ملاحظه می‌داریم که: برای حفظ آبرو و شرف دیگران، اسلام برای اثبات زنا، چهار شاهد مقرر کرده است و حتی اگر سه شاهد شهادت دهند، هر سه شلاق می‌خورند، ولی برای اثبات قتل، دو شاهد کافی است. هکذا شاهد بر زنا، هم باید مرد باشد و هم مسلمان، تا در اثبات جرم، دقت لازم صورت گیرد.

و باید به صراحت گواهی دهند، همان‌طور که احادیث صحیح بر این مطلب دلالت می‌نمایند و این آیت نیز به آن اشاره می‌کند، زیرا خداوند متعال فرموده است: «فَأَسْتَشْهِدُوا عَلَیْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ»: و به این نیز اکتفا نموده، و می‌فرماید: «فَإِنْ شَهِدُوا» اگر شهادت دادند. یعنی باید شهادت و مشاهده صریح باشد و به چیزی شهادت دهند که آن را به طور آشکار و عیان مشاهده کرده‌اند و شهادت دادن آنان باید شفاف و خالی از هرگونه تعریض و کنایه باشد. و از این دو آیت استنباط می‌شود که خداوند متعال به منظور ترک زنا آزار رساندن از طریق گفتار و کردار و زندانی کردن را مشروع نموده است.

**إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱۷)**

جز این نیست که (وعده) قبول توبه بر ذمه الله است (الله متعال بر خود واجب گردانیده است) محققاً الله توبه آنهایی را می‌پذیرد که عمل ناشایسته را از روی نادانی مرتکب شوند، و باز بزودی توبه می‌کنند (از گناه خویش) پس این گروه است که الله توبه‌شان را قبول می‌کند، والله (به مصالح خلق) دانا و آگاه است. (۱۷)

### تشریح لغات و اصطلاحات:

«إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ»: پذیرفتن توبه به عهده خداست، خدا تنها توبه کسانی را می‌پذیرد. «السوء»: کار زشت، زشتکاری. «بِجَهَالَةٍ»: به سبب حماقت و سفاهت (برخی از مفسران منظور از «جهالت» را طغیان غرایز و تسلط هوسهای سرکش و چیره شدن آنها بر نیروی عقل و ایمان ترجمه و تفسیر نموده‌اند). «مِنْ قَرِيبٍ»: بزودی، و آن پیش از فرارسیدن مرگ، اجل.

## تفسیر:

«إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ»: توبه ای که خدا آن را قبول می کند عبارت است از توبه شخصی است که از مقدار زشتی و معصیت و بدی فرجام آن ناآگاه است و به نادانی و سفاقت مرتکب معصیت می شود، سپس پشیمان شده و توبه می کند. یعنی: حق تعالی خود بر خویشتن واجب گردانیده که توبه توبه‌کاران را - چنانچه به‌سویش توبه‌کار شوند - بپذیرد و از آنها درگذرد، اما اعتقاد ما بر این است که پذیرفتن توبه، عقلاً بر الله متعال واجب نیست. در این هیچ گونه شک نیست که الله متعال به واسطه توبه آن جرایم بزرگ، چون زنا و لواطت را نیز می‌بخشاید؛ چنان که در آیت قبلی گذشت؛ ولی طوری که یادآور شدیم الله متعال در اصل، اجابت توبه کسانی را بر ذمت فضل خویش قرار داده که به نادانی گناه صغیره یا کبیره از ایشان سر زده باشد؛ و همین که بر سبب اعمال خویش آگاه شده‌اند از آن نادم و تائب گردیده‌اند. البته، چنین خطاها را الله متعال می‌بخشد؛ خدا عالم السرّ و الخفیات است، و می‌داند که کدام کس به نادانی گناه کرده، و که از سر صدق توبه نموده؛ الله متعال با حکمت است؛ هر توبه که موافق حکمت اوست، قرین اجابت می‌گردد.

هدف از «جهالت» عدم علم به تحریم کردار زشت نیست که شخصی در برابر کار حرام نادان باشد و حرام بودنش را نفهمد؛ چون آموزش آن چه که شرعاً حرام می باشد، خواسته هر مسلمانی است؛ بلکه مراد از جهالت، چیرگی سبک سری و نادانی و سفاقت بر انسان است آن گاه که سرکشی و شورش شهوات و آرزوهای نفسانی و حمله ور شدن خشم بر او، ظاهر می گردد. (تفسیر منیر).

«ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ»: شتابان و قبل از فرارسیدن دم مرگ توبه می کنند.

در حدیث شریف آمده است: «تحقیقاً خداوند متعال توبه بنده را - مادامی که در حال غرغره مرگ و جان‌کندن نباشد - می‌پذیرد». بنابراین، مراد از توبه کردن در زمانی نزدیک؛ توبه کردن در فاصله زمانی میان ارتکاب گناه تا هنگام مشاهده فرشته مرگ، یعنی: (ملک الموت) از سوی شخص توبه‌کار است.

«فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ»: خدا توبه آنان را قبول می کند. واقعاً هم سرعت در توبه، کلید قبولی آن است. و از جانب دیگر توبه باید واقعی باشد، اگر تظاهر به توبه کنیم مطمئن باشید که خداوند متعال حقیقت را می‌داند. «وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱۷)» به خلق خود آگاه و در تشریح و قانونگذاری حکمت را رعایت می کند.

## یادداشت:

از قید دو کلمه هریک «جهالت» و کلمه «قریب» که در این آیت مبارکه تذکر رفته است بر می آید که: هر که به نادانی مرتکب گناهی شود، و بعد از تنبیه، بدون درنگ توبه نماید؛ مقتضای عدل و حکمت آن است که توبه وی قبول گردد؛ و هر که عالماً و عامداً از فرمان الهی سر باززند، یا پس از اطلاع در توبه درنگ نماید و به حالت سابق استوار بماند؛ به قانون عدل و انصاف، اصلاً گناه وی شایسته بخشش نیست. قبول توبه وی به عنایت الهی است که از فضل خویش هر دو نوع توبه را قبول می‌فرماید؛ ذمه‌واری صرف در صورت اول است، نه در غیر آن. به صورت کل باید گفت که: از شرایط قبولی توبه در این آیه مبارکه همانا:

**الف:** گناه، از روی نادانی و بی‌توجهی به عواقب گناه باشد، سفاقت و بی‌عقلی نه از روی کفر و عناد. صورت گرفته باشد.

**ب:** گناهکار باید زود توبه کند، پیش از آن که گناه او را احاطه کند، یا خصلت او شود، یا قهر و عذاب الهی فرا رسد.

## توبه:

توبه در لغت «توبه» و «توب» به معنای رجوع و بازگشت است. راغب در مفردات خود می نویسد: توب به معنای ترک گناه به زیباترین صورت است و آن رساترین گونه معذرت‌خواهی است، زیرا عذرخواستن بر سه نوع است: یا شخص عذرخواه می‌گوید: فلان کار را نکرده‌ام یا می‌گوید: آن کار را کرده‌ام، ولی منظورم از آن کار چنین و چنان بوده است و یا این که می‌گوید: آن کار را کرده‌ام ولی بد نموده‌ام و دیگر بار تکرار نخواهم کرد. که در شرع نوع آخر به حیث توبه شناخته می‌شود.

## توبه در اصطلاح:

توبه در اصطلاح، بازگشت از گناه و ترک آن است. راغب می نویسد: «توبه در شرع عبارت است از ترک گناه به خاطر این که کاری بدی است و پشیمانی بر آن چه در گذشته واقع شده‌است و تصمیم بر ترک گناه و جبران اعمال. خواننده گرامی!

همانطوری که از فهم لغوی و اصطلاحی توبه فهمیده می‌شود، توبه در حقیقت، پشیمانی قلبی است؛ این ندامت و پشیمانی نه تنها در قلب اراده و تصمیم است بلکه این تصمیم اراده باید در عمل انسان ظاهر گردد و نشان داده شود، که مهمترین عمل در این مورد همانا انجام واجبات و ترک محرمات است.

در این هیچ جای شکی نیست که پروردگار با عظمت ما توبه کسی را قبول می‌کند که واقعاً از عمل ناشایسته خویش از عمق دل پشیمان و نادم شود و درصدد جبران آن برآید، و وسیله وصول بدین امر نشان دادن در عمل است. قرآن عظیم الشان می فرماید توبه اشخاصی که نه تنها از طی دل پشیمان و نادم بلکه در عمل به اصلاح خویش بپردازند توبه شان مورد استجابات دربار پروردگار قرار می‌گیرد. «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَ أَصْلَحُوا» (سوره: بقره آیت ۱۶)

در این حالت که پروردگار از روی لطف و مهربانی خویش، توبه بنده خود را قبول می‌کند. عدم پذیرش توبه، خلاف هدف خدا است و الله این کار را نمی‌کند.

انسان قبل از توبه و بعد از توبه:

کسی که از گناه توبه کند مانند شخصی است که اصلاً گناه نکرده است. بلکه حتی ممکن است انسان بعد از گناه (با توبه) در وضعیت قبل از گناه بهتر باشد.

مطابق شهادت قرآن عظیم الشان عین همین حالت برای آدم و حوا رخ داد:

این قیم رحمة الله در تفسیر این واقعه می نویسد:

«تا چه اندازه تفاوت است بین حال آدم علیه السلام قبل از گناه و توبه که خداوند به او فرمود: ( برای توست که در آن (جنت) گرسنه نشوی و عریان نشوی، و تو در آن تشنه نخواهی شد و (گرمای) آفتاب را نبینی» (سوره طه/۱۱۸-۱۱۹)

و در وضعیت بعد از توبه قرآن عظیم الشان می فرماید: (پس از آن پروردگار ش او را باز برگزیده نمود و توبه اش را پذیرفت و او را هدایت کرد) (سوره طه/۱۲۲) توجه بفرماید:

حالت اول آدم حالت خوردن و نوشیدن و لذت بردن بود، اما حالت دوم حالت برگزیدگی و هدایت است. و چه تفاوت است بین این دو منزلت.»

همچنان از برخی از سلف نقل شده که داوود علیه السلام پس از توبه بهتر از قبل آن بود. بناءً هرکس به طور صادقانه توبه کند، توبه اش توبه نصح باشد و از اعمال گناه به طور صادقانه دست بردارد، به طور یقین در زندگی و کارهایش برکت حاصل خواهد شد و هر کس توبه کند برای گناهی که قبل از توبه انجام داده است مؤاخذه نخواهد شد. و این از فضل گسترده الله سبحانه و تعالی است.

بلکه حتی بزرگواری و کرم خداوند تا آنجاست که گناهان را (با توبه صادقانه) تبدیل به نیکی ها می کند: الله سبحانه و تعالی پس از نام بردن گناهان بزرگ در سوره فرقان می فرماید: «مگر آن که توبه کند و ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد پس خداوند بدی های آنان را به نیکی ها مبدل می سازد و الله غفور و رحیم است» (فرقان/۷۰)

**وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يُمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَٰئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۸)**

و توبه کسانی که گناه می کنند تا وقتی که مرگ یکی از ایشان در رسد می گوید اکنون توبه کردم پذیرفته نیست و [نیز توبه] کسانی که در حال کفر می میرند پذیرفته نخواهد بود آنانند که برایشان عذابی دردناک آماده کرده ایم. (۱۸)

### تشریح لغات و اصطلاحات:

«أَعْتَدْنَا»: آماده کرده ایم، فراهم نموده ایم.

### تفسیر:

«وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ»:

از کسانی که مرتکب معصیت و نافرمانی می شوند و تا دم مرگ بر آن اصرار می ورزند و آنگاه می گویند حالا توبه کردیم، توبه شان قبول نمی شود؛ چون چنین توبه ای توبه ناچار است که قبول نیست.

سید قطب مفسر مشهور جهان اسلام در تفسیر خویش «فی ظلال» می نویسد: این توبه ناچار است که ناامیدی و سرگردانی به او فشار آورده، و گناهانش او را فرا گرفته است. توبه چنین کسانی مجال ارتکاب گناه برایش نمانده و فرصت دوری جستن از خطایا را ندارد، خدا چنین توبه ای را نمی پذیرد؛ زیرا اصلاحی در قلب ایجاد نکرده و در زندگی اصلاحی حاصل نمی کند. تغییر طبیعت را نشان نمی دهد و نیز تغییر و تحولی در دیدگاه را به وجود نیاورده است.

چنین کسی به هیچ وجه مستحق قبول توبه نیست؛ چون دست به استکبار زده و بر ارتکاب محرمات الهی جرأت پیدا کرده است و توبه خویش را عمداً به تأخیر انداخته است.

در حدیث آمده است: خدا توبه بنده را مادام به حال احتضار نرسیده باشد قبول می کند.

«وَلَا الَّذِينَ يُمُوتُونَ وَ هُمْ كُفَّارٌ»: همچنان توبه کسی که بر کفر مرده نیز قبول نمی شود، یعنی عذاب اخروی را دیده توبه نمایند، پس توبه آنان در حال احتضار از آنان پذیرفته نمی شود.

«أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۸)»: چنین کسی برای همیشه در آتش دوزخ جاودان خواهد بود، حق تعالی از کافر هیچ عمل و شفاعتی را قبول نمی‌کند و هیچ عذابی را از او در روز قیامت دفع نمی‌نماید، پروردگار برای چنین عذابی دردناک و ماندگار آماده کرده است.

### یادداشت:

هنگامی که انسان مرگ متیقن گردد، و جهان آخرت در نظر آید، توبه پذیرفته نمی‌شود؛ اما، پیش از دیدن عالم آخرت، البته توبه اجابت می‌شود؛ این قدر فرق است که بر طبق بیان اول اجابت توبه در صورت نخستین، موافق به آئین عدل و انصاف است؛ و در صورت دوم، محض فضل اوست.

### توبه فرعون چرا قبول نشد؟

توبه فرعون به خاطری قبول نشد که ایمان آوردن فرعون در وضع اضطراری و از سر ناچاری صورت گرفته بود، یعنی زمانی که فرعون به حالتی رسید که چاره فرار از حالاتی که در آن قرار داشت برایش غیر ممکن بود و از طرف دیگر راه نجات از آن نداشت مرگش حتمی بود، بناءً توبه و پشیمانی اش برایش هیچ فایده ای نرساند، این است حالات و سرنوشت تمام مجرمان و گناهکاران و کمراهان که در حالات اضطرار توبه هیچ فایده برایشان رسانده نمی‌تواند.

قرآن عظیم الشأن با زیبایی خاصی بیان می‌دارد: «حَتَّىٰ إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ هنگامی که غرقاب دامن فرعون را گرفت، گفت: ایمان آوردم که هیچ معبودی جز کسی که بنی‌اسرائیل به او ایمان آورده‌اند، وجود ندارد و من از تسلیم شدگان هستم». (سوره یونس: آیت ۹۰). به همین دلیل پروردگار او را مخاطب ساخت و فرمود: «الْأَنْوَاعُ وَ قَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَ كُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ؛ اکنون ایمان می‌آوری، در حالی که پیش از این طغیان و عصیان کردی و در صف مفسدان قرار داشتی؟!»

خوانندگان گرامی!

این حکم مختص فرعون نیست یکی از شرایط پذیرش توبه، آن است که قبل از فرا رسیدن مرگ، توبه صورت گیرد، همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید: «وَ لَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدُهُمُ الْمَوْتُ قَالَ أَنِّي تُبْتُ الْآنَ؛ برای کسانی که کارهای سوء انجام دهند و به هنگام فرارسیدن مرگ توبه کنند، توبه‌ای نیست». (سوره نسا: آیه ۱۸) البته این آیت بامفاهیم آیاتی که می‌گوید: توبه تا آخرین نفس پذیرفته می‌شود، منافاتی ندارد، زیرا منظور از آن، لحظاتی است که هنوز نشانه‌های قطعی مرگ را مشاهده نکرده و به اصطلاح دید برزخی پیدا نکرده‌است.

پروردگار! ما را از توبه گزاران واقعی قرار ده و ما را از گمراهی نجات ده.

آنهایی که در همه حالات الله تعالی را حاضر و ناظر می‌دانند هیچ گاه نباید مرتکب کفر شده و به تبلیغ شر و فساد بپردازد ذات الهی مبری از تمام این فتنه و فساد است که بر وی می‌بندند و متخلفان درین راستا قبل از همه و قبل از این که به دیگران ضرر متوجه شود به خودشان ضرر برمی‌گردد.

بهترین راه مراجعه به خود اعمال و کردار خود و مصداق این آیت قرآنی عمل کردن دیگر برای ما انسانها وجود ندارد.



باید با تمام صداقت بیان بداریم: « رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَ أَنْ لَمْ نَعْفُرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ خدایا، به خود ظلم کردیم و اگر ما را نیامرزی و رحم نکنی، از زیانکاران خواهیم بود» (سوره اعراف آیت ۲۳). امین یا رب العالمین.

**ادامه دارد**